

تبیین ماهیت حق تمکین و آثار حقوقی آن در چهارچوب حقوق بشر اسلامی

اکرم فضایی^۱

چکیده

از زمان انعقاد صیغه نکاح، وظایف و حقوقی بر عهده زن و شوهر قرار می‌گیرد. این تکالیف با دو قسم مادی و غیرمادی، زمینه تشریک مساعی و پایداری زندگی را ایجاد می‌کند. از مصادیق این تکالیف، تمکین زن و دادن نفقه از سوی شوهر است. در فقه اسلامی و قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران به این حقوق و تکالیف اشاره شده و در زمان اختلاف زوجین مورد توجه قرار می‌گیرد. البته بر اساس قاعده لاضرر، امکان عدم تمکین به دلیل وجود عذر شرعی از قبیل خوف ضرر جانی، مالی، اعتکاف، روزه واجب و... وجود دارد. این نوشتار درصدد است با بررسی یکی از این موضوعات یعنی مسئله تمکین زوجه از منظر حقوق بشر اسلامی، به این سؤال پاسخ دهد که مصادیق تمکین خاص زوجه چیست و موانع شرعی عدم تمکین زن چه می‌باشد؟

واژگان کلیدی: حقوق بشر اسلامی، حق تمکین، حقوق زنان، قاعده لاضرر.

یکی از ظرافت‌های آفرینش نظام هستی این است که قانون زوجیت بر آن حاکم است و انسان به عنوان موجودی ممتاز از مجموع کائنات، از این سنت آفرینش مستثنا نیست. این سنت الهی که همواره مورد تشویق و تأکید تعالیم دینی بوده، در آیین دین مبین اسلام از جایگاه بسیار رفیع و ارزشمندی برخوردار است و در فقه، باب مستقلی به آن اختصاص داده شده و در بین عقود به عنوان یک عقد خاص عبادی شناخته می‌شود. در اهمیت این موضوع همین بس که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «در اسلام هیچ بنایی ساخته نشده که نزد خدای متعال، محبوب‌تر و ارجمندتر از ازدواج باشد. (قنبرپور، تقی، ۱۳۹۱: ۲۰۴) ازدواج بر مبنای احکام و قواعدی خاص بنا شده و در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز به حق تمکین و حقوق و تکالیف متقابل زوج و زوجه اشاره شده است. طبق ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی، همین که عقد نکاح به‌طور صحیح واقع شود، رابطه زوجیت بین طرفین، شکل می‌گیرد و حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر برقرار می‌گردد. عقد نکاح، دارای آثار مالی و غیر مالی است. مهریه و نفقه از آثار مالی نکاح و حسن معاشرت، معاضدت و برقراری رابطه زناشویی (نزدیکی)، از آثار غیر مالی نکاح است. ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود.» گاهی اوقات، خودداری زوجه از تمکین، مستند به وجود عذر مشروع و قانونی است. در این موارد، با این‌که زوجه به وظایف زناشویی خود عمل نمی‌کند، اما ناشزه نیز محسوب نمی‌شود. (ابهری، صفایی، ۱۳۹۱: ۱۲)

با توجه به وظایف و حقوق متقابل زوج و زوجه نسبت به یکدیگر، رعایت حقوق از سوی زن و شوهر و فرزندان، سبب می‌شود که اولاً، مرز مسئولیت‌ها نسبت به یکدیگر معلوم شود، به‌گونه‌ای که هر یک از زوجین دریابند که چه راه و روش و چه مشی مشخصی را باید در پیش گیرند. ثانیاً، سبب پیدایش امنیت در آن زندگی آنان می‌شود و حدود توقعات اعضای خانواده از یکدیگر معلوم می‌گردد. ضمن این‌که موجب رعایت ایجاد عدالت در خانواده می‌گردد و هر یک از زن و مرد، بر اساس آن، برای خود و دیگران مرزی قائل می‌شوند و سعی می‌کنند از آن حد و مرز تجاوز نکنند. مجموعه این عوامل موجب رشد و تعالی خانواده و در سطحی کلی‌تر، سبب رشد جامعه انسانی خواهد بود. (صالحی، ۱۳۸۵)

بنابراین در این نوشته با توجه به تأکید بر وظایف زوجه و حقوق شوهر بر زن، ابتدا به تعریف تمکین



و انواع آن پرداخته و نظر اسلام در این خصوص مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس به موارد دیگر حقوق شوهر بر زن اشاره می‌شود و در پایان موارد مانع مشروعی که اسلام اجازه عدم تمکین به زن را داده، بررسی می‌گردد.

مفهوم‌شناسی تمکین بر اساس منابع اسلامی

الف) تمکین در لغت

تمکین در لغت، به معنی «فرمان بردن»، «پذیرفتن» و «احترام» است. (معین، ۱۳۶۴، ج: ۱، ۱۱۴۲) در فرهنگ عمید نیز به معنای، «پابرجا کردن» و «نیرو و قدرت دادن» هم آمده است. (عمید، ۱۳۶۵، ج: ۱، ۷۲۸)

ب) تمکین در اصطلاح

واژه تمکین در فقه به دو معنای عام و خاص به کار رفته است. معنای عام تمکین همان پذیرش مسئولیت شوهر در اداره نهاد خانواده است، خواه به عنوان ریاست خانواده یا به عنوان مسئول و سرپرست خانه بر حسب اختلاف مبانی که در باب قیمومت شوهر بر زن وجود دارد.

تمکین خاص، معنای مبهم و پیچیده‌ای ندارد و بدین جهت فقها در تعریف آن اختلاف ندارند. صاحب شرایع الاسلام در این رابطه می‌فرماید: «تمکین برداشت موانع بین زن و شوهر است (برای برقراری ارتباط) به نحوی که از جهت زمان و مکان محدودیتی وجود نداشته باشد.»

یکی از فقهای معاصر در تعریف تمکین می‌نویسد: «حالت آمادگی (زن) برای استمتاع در صورت تقاضای شوهر»، البته عدم محدودیت زمانی شامل عذرهای شرعی و ضرورت‌های عرفی نخواهد شد. اجماع فقها عذرهای یاد شده را در زمان و مکان خاصی خارج از موارد وجوب تمکین می‌دانند. در واقع تمکین خاص، ایجاد شرایطی برای رفع نیازهای جنسی در هر موقعیت ممکن و متعارف است. نویسندگان علم حقوق نیز به هر دو مبنای تمکین اشاره کرده‌اند. تمکین عام همان قبول ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده وی در اداره خانواده است، ولی تمکین خاص ناظر به رابطه جنسی زن با شوهر و پاسخ دادن به خواسته‌های مشروع وی در این زمینه می‌باشد. از این رو لزوم تمکین امر مطلق نیست، بلکه باید در حد مشروع باشد که داوری آن بر حسب زمان و مکان، بر عهده عرف و اخلاق است؛ لذا خواسته‌های شوهر اگر غیراخلاقی و غیرمتعارف باشد، مشروع نخواهد بود. (محمدی، ۱۳۸۳)



تمکین خاص

تمکین به معنی خاص، بدان معنا است که زن نزدیکی با شوهر را پذیرفته و جز در مواردی که مانع موجهی داشته باشد، از برقراری رابطه جنسی با او سر باز نزند. البته این وظیفه، ویژه زن نیست و شوهر نیز مکلف است در حدود متعارف، با زن رابطه جنسی داشته باشد. در غیر این صورت، رفتار وی برخلاف وظیفه حسن معاشرت تلقی می‌گردد. (قتب‌پور، تقی‌بی، ۱۳۹۱: ۲۰۵)

قانون مدنی نیز در ماده ۱۰۸۵، تمکین به معنای خاص را به معنای انجام وظایف زن در برابر شوهر دانسته است، اما برای انجام این وظیفه، حق حبس را برای زن نیز مطرح کرده است. بر اساس این ماده، «زن می‌تواند تا زمانی که مهریه به او پرداخت نشده، از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند، مشروط به این که مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.» همان‌طور که از این ماده مشخص است، زن می‌تواند تا زمان که مهریه خود را نگرفته، از تمکین خاص خودداری نماید و هم‌چنان نفقه‌اش را نیز بگیرد که این عمل اصطلاحاً حق حبس نام دارد. (heyvalaw/130)

حق تمکین از دیدگاه اسلام

به‌طور کلی یکی از حقوق شوهر بر زن، حق تمکین جنسی است و صرف‌نظر از برخی استثناءها، به‌ویژه در موارد ضرر داشتن (مفهوم فقهی ضرر)، بودن زن یا شوهر در حالت احرام، روزه واجب، بودن زن در حالت حیض یا نفاس و...، محدودیت قابل توجهی برای این مسئله در نظر گرفته نشده است. (بستان، ۱۳۹۶: ۲۶)

مستندات: دلایل متعددی برای این مسئله ارائه شده که به سه نمونه آن اشاره می‌شود:

۱) یکی از آیاتی که در این زمینه می‌توان از آن استفاده کرد، آیه ۲۲۳ سوره بقره است: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقِقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ زنان شما کشتزار شمایند، پس از هر سو و هر وقت که خواستید به کشتزار خود درآیید و (با نیت اکتفا به حلال در مقابل حرام و طلب فرزندی صالح از این عمل، ثوابی) برای خودتان پیش فرستید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد و مؤمنان را مژده بده.

البته در صورتی می‌توانیم از این آیه برای حق تمکین شوهر استفاده کنیم که واژه «أَنَّى» در آیه به معنای زمانی باشد.



در این باره در تفسیر المیزان آمده است: «کلمه «أنتی» از اسماء شرط است که مانند کلمه «متی» در خصوص زمان استعمال می شود، البته گاهی در خصوص مکان هم به کار می رود. حال اگر در آیه مورد بحث، به معنای مکان باشد، چنین معنا می شود: «شما به کشتزار خود وارد شوید، از هر محلی که خواستید» و اگر به معنای زمان باشد، معنایش این می شود که: «شما هر وقت خواستید به کشتزار خود بروید». (مکارم شیرازی، ص: ۱۴۱)

در هر صورت، این عبارت به هر معنا که باشد، می خواهد اطلاق را برساند؛ به خصوص با قید (شتم)، این اطلاق روشن تر به چشم می خورد. این را هم باید بدانیم که آوردن جمله «زنان شما کشتزار شمایند»، قبل از بیان «فاتوا حرثکم» و نیز تعبیر از زنان برای بار دوم به (کشتزار)، خالی از این دلالت نیست که مراد توسعه و آزادی دادن در عمل زناشویی است. (طباطبایی، ص: ۳۱۸)

به هر حال، در صورتی که «أنتی» در این آیه به معنای زمان باشد همان گونه که علی بن ابراهیم در تفسیر قمی (قمی، ص: ۱۷۳) و سید محمد شیرازی در تبیین قرآن آن را به معنای زمانی دانسته اند (شیرازی، ص: ۴۶)، می توان از آیه برای اثبات حق تمکین نیز استفاده کرد؛ زیرا در این صورت، آیه بر این معنا دلالت می کند که هر زمان خواستید، می توانید با زنانتان آمیزش کنید و این همان چیزی است که مرد بر اثر حق تمکین، به آن می رسد.

در این آیه زنان به مزرعه تشبیه شده اند و چه بسا این تشبیه برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام درباره نیمی از نوع بشر، چنین تعبیری به کار برده است؛ در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته است. در حقیقت، قرآن می خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی نشان دهد که زن وسیله ارضای شهوت و هوسرانی مردان نیست، بلکه وسیله ای برای حفظ حیات نوع بشر است. همان گونه که گیاهان در کشتزار رشد می کنند و ادامه حیات می دهند، انسان ها نیز به وسیله وجود زنان، متولد شده و نسل شان ادامه می یابد. این سخن هشدار می دهد برای آنان است که جنس زن را بازیچه یا وسیله هوس بازی می دانند. (مکارم شیرازی، ص: ۱۴۱)

۲) در روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده، آمده: «زنی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله حقّ مرد بر زوجه اش چیست؟ پیامبر فرمود: آن که او را فرمان ببرد و از نافرمانی اش بپرهیزد و از مال شوهر (بدون رضای او) چیزی به فقیر ندهد و نیز بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد، او را از کامیابی مانع نشود هر چند بر جهاز شتری سوار باشد و از خانه اش بدون رخصت



وی خارج نشود که اگر بدون اجازه از منزل بیرون رفت، فرشتگان آسمان و زمین و فرشتگان غضب و رحمت، همگی او را لعنت کنند تا به خانه‌اش بازگردد. (صدوق، ص: ۴۳۸)

۳) در روایت دیگری از امام باقر علیه‌السلام آمده است: «امیر مؤمنان علیه‌السلام درباره مردی که با زنی ازدواج کرده و مهریه زن را به عهده گرفته بود به شرط آن که اختیار کام‌گیری و طلاق با او (یعنی با زن) باشد، فرمود: زن با سنت مخالفت نموده و متولّی امری گشته که اهلش نبوده؛ بعد نیز حکم فرمود که صدق به عهده مرد است و جماع و طلاق نیز به دست اوست و این سنت است.» (همان، ص: ۴۲۵)

همان‌گونه که می‌بینید در روایت اول آمده است که او را از کامیابی منع نکند (حتی اگر سوار بر جهاز شتری باشد) و در روایت دوم است که حق جماع به دست مرد است. با دقت در متن این دو روایت، به راحتی می‌توان حق تمکین را برای مرد اثبات کرد؛ زیرا با توجه به این که حق جماع به دست مرد است، می‌تواند در هر زمان که خواست با زن نزدیکی کند و از سوی دیگر، زن هم نمی‌تواند او را از کامیابی منع کند و این مسئله همان چیزی است که مرد در حق تمکین به آن می‌رسد. البته توجه داشته باشیم که این حکم مربوط به زمانی است که زن عذر شرعی نداشته باشد.

تمکین و حقوق شوهر بر زن

زن به جز مواردی که از نظر شرع محدودیت دارد، واجب است نسبت به خواسته مرد در مسئله کام‌گیری تسلیم باشد و حتی مستحب است در این زمینه پیش قدم شده و آمادگی خود را اعلام نماید. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این خصوص فرموده‌اند: «بر زن لازم است از بهترین عطرها استفاده کند، زیباترین لباسش را بپوشد، خود را به نیکوترین وجه آرایش کند و صبح و شب هم چون طاووس خرامان خود را بر شوهر عرضه نماید، اما در این صورت باز هم حقوق شوهر بر زن بیش از این هاست.»

اگر زن به همین صورت به این دستور عمل کند، شوهرش را برای خود حفظ کرده و او را از چشم‌چرانی و هوس‌رانی نسبت به دیگران یا رفتن دنبال این و آن حتی به صورت مشروع بازمی‌دارد. بخش عمده‌ای از اختلافات از این موضوع ناشی می‌شود که زن عطر و بهترین لباس و نیکوترین آرایش را برای رفتن به مهمانی و عروسی اختصاص می‌دهد، اما روش و منش او نسبت به شوهر معمولی است، حتی هنگامی که از مهمانی و عروسی برمی‌گردد، مهلت دیدن خود را به آن صورت به شوهر



نمی‌دهد و بلافاصله لباس زیبا را از تن درآورده، لباس خانه می‌پوشد و زینت و آرایش را پاک کرده و به صورت عادی در می‌آید، کاری که شوهر را دل‌زده، رنجیده و ناراحت می‌کند و باعث سست شدن رابطه و دلخوری می‌گردد. بسیاری از مردان جوان و متوسط از عادی بودن، بی تفاوت و بی میل بودن زنانشان به مسئله تمکین و دوری کردن از داشتن آرایش مقابل شوهر و لباس زیبا پوشیدن و جلوه دادن خود شکایت دارند و میل به انجام متعه یا ازدواج مجدد را اظهار می‌کنند. تنها سفارش به بانوان در این رابطه، این است که در این مرحله با تمام وجود از دستورات پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام اطاعت کنید تا مشکلی پیش نیاید و مرد بیرون از خانه دنبال هوس رانی نرود، وگرنه بنای زندگی ویران می‌شود و گناه نابخشودنی ویرانی خانه و خانواده در روز قیامت به عهده شماست. (yasa/1397)

از موارد دیگر حقوق شوهر بر زن که سبب استحکام بنیاد خانواده می‌گردد، عبارتست از:
اطاعت

اطاعت از زوج در فقه دارای اصطلاح خاصی نیست و در معنای ولایت داشتن زوج بر زوجه به کار رفته است؛ به گونه‌ای که شرعاً بر زوجه لازم باشد نسبت به زوج خویش متابعت و پذیرشی با میل و رغبت نسبت به فرامین وی داشته باشد. مهم‌ترین آیه‌ای که در این باره قابل استناد است، آیه ۳۴ سوره نساء است که حد دلالت آیه شریفه در فراز اول، اعطای مسئولیت سرپرستی و اداره زندگی به مرد است و در این جهت عقلاً فرمانبری زوجه از زوج لازم است و به عبارتی، وجوب اطاعتی که این فراز می‌تواند بر آن دلالت داشته باشد، وجوبی عقلی و ارشادی است؛ ولی با توجه به قانون ملازمه می‌توان به وجوب مولوی آن نیز قائل شد و ارشادی بودن آن منافی مولویت نیست. قرینه‌ای در آیه شریفه وجود دارد که این برداشت از آیه را تأیید می‌کند و آن قرینه عبارت است از قرینه تفریع «قانتات» بر «قوامون» که بر این اساس می‌توان گفت در بحث سرپرستی و اداره امور خانواده، آیه در مقام بیان این مطلب است که مردان به دلیل برخی توانایی‌ها و نیز به جهت وظیفه انفاق و تأمین هزینه خانواده که بر دوش آنان قرار گرفته، عهده‌دار مسئولیت نگهداری و سرپرستی از زنان و به عبارتی تدبیر زندگی و اداره امور خانواده هستند؛ پس اکنون که چنین مسئولیتی بر دوش آنان قرار گرفته، صالح‌ترین و برترین زنان کسانی می‌باشند که از روی تواضع و فروتنی، پیوسته مطیع شوهران خود باشند. (علی دوست، ساجدی، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۷)



پاس‌داری از ارزش‌های خانواده

بزرگ‌ترین مسئولیت زن این است که به عنوان ناموس مرد و نماینده او در خانه، با رفتار و گفتار نیکوی خویش، از حریم خانواده پاس‌داری کند. زن باید خود را از نامحرمان بیوشاند و در برخورد با نامحرم، رفتار متکبرانانه و بزرگ‌منشانه داشته باشد تا بین او و مردان نامحرم، نوعی حجاب اخلاقی و حائل معنوی به‌وجود آید و کسی در وی طمع نکند و نیز باید نسبت به اموال همسر، نهایت دقت و مراقبت را داشته باشد تا به خوبی از عهده نگه‌داری امانت همسر برآید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پاک دامنی و عفت را از ویژگی‌های خوب یک زن بر می‌شمارد و می‌فرماید: بهترین زنان کسی است که فرزندآور، مهربان، عفیف، و در میان اهل خود، گرمی باشد؛ آنکه که با همسر خود نرم و آرام است و برای شوهرش زینت می‌کند و در قله‌های محکم عفت خود را حفظ می‌کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم آن‌قدر نسبت به حفظ حریم زنان حساس بود که وقتی پیرمرد نابینایی به نام ابن مکتوم اجازه خواست که خدمت حضرت برسد، حضرت از دو همسرش حفصه و عایشه خواست مجلس را ترک کنند و فرمود: «اگر چه او شما را نمی‌بیند، ولی شما که او را می‌بینید. آن حضرت، زنی را که برای غیر شوهرش زینت کند، مورد ملامت قرار داده و می‌فرماید: «هر زنی برای غیر شوهر خود آرایش کند و از خانه خارج شود، همواره مورد غضب و لعن واقع می‌شود تا وقتی به خانه برگردد.» (صالحی، ۱۳۸۵)

بیرون رفتن از خانه

بر اساس اصل اباحه عمل و آزادی اراده، خروج زن از منزل و معاشرت او علی‌الاصول باید عملی روا تلقی شود، اما با توجه به حقوق و تکالیف متقابل زن و شوهر و به‌ویژه حق استمتاع شوهر، در بین فقها، نظرات گوناگونی مطرح شده است. در فقه امامیه نظر مشهور بر این است که زن برای خروج از منزل شوهر، باید اجازه و رضایت او را کسب کند و در مقابل شوهر می‌تواند زن را از رفتن به بیرون از خانه منع کند، هرچند که عمل زن با حق استمتاع شوهر منافاتی نیز نداشته باشد. در حقیقت بیشتر فقها بر مبنای ریاست مرد بر خانواده و به‌طور خاص حق استمتاع وی، معتقد به ضرورت اذن زن برای خروج از منزل به صورت مطلق هستند؛ هرچند که در قوانین و مقررات موضوعه، ماده صریحی در خصوص خروج زن از منزل وجود ندارد، اما از جهت منابع روایی و فقهی، این موضوع بسیار پر بار و غنی است. (پروین، حسینی، ۱۳۹۲: ۷۵-۷۴)

در این خصوص، روایات بسیاری وجود دارد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مردی از انصار به مسافرت رفت و به همسرش تأکید کرد تا من برنگردم از خانه بیرون نرو. پدر آن زن در ایام



سفر شوهرش بیمار شد. زن کسی را نزد رسول حق فرستاد و اجازه عیادت خواست. پیامبر فرمودند از شوهر اطاعت کن و در خانه بنشین. حال بیمار سنگین شد. باز پیام داد، ولی رسول اسلام همان جواب را تکرار کرد. پدر از دنیا رفت، زن قاصدی نزد پیامبر فرستاد که برای ادای نماز به جنازه پدر بروم، اما حضرت همان جواب را داد. پدر را به خاک سپردند و زن در خانه ماند. پیامبر پیام دادند که ای زن، خداوند به پاس این فرمانبرداری از شوهرت، پدرت و تو را آمرزید.»

امیرالمؤمنین علیه السلام به مردان سفارش اکید می‌کند که: «بانوان را از دیدن اجانب حفظ کنید، زیرا محجوب بودن آنان، عفتشان را بیشتر حفظ می‌کند. بیرون رفتن آنان و در مناظر عمومی قرار گرفتنشان، فسادش بیشتر از این نیست که افرادی را که مورد اعتماد نیستند به خانه ببری، اگر توانستی کاری کنی که جز تو را نشانند این کار را انجام بده.»

علاوه بر فقه اسلامی، در قانون مدنی، به صراحت به لزوم اذن زوج در خروج از منزل، اشاره نشده و ماده‌ای در این خصوص دیده نمی‌شود؛ اما در کتب حقوقی، خروج زن از منزل با اذن شوهر، از آثار ریاست مرد در خانواده است. در این خصوص آمده است: «شوهر برای حفظ مصالح خانواده، می‌تواند معاشرت‌های زن و رفت‌وآمدهای او را بازرسی کند و او را از رفتاری که سلامت خانواده را تهدید می‌کند، بازدارد، ولی حق ندارد به دلخواه خود و بدون این‌که دلیل موجهی داشته باشد، زن را از معاشرت با خویشان نزدیک خود یا انجام فرایض مذهبی یا تکالیف اجتماعی بازدارد؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، ریاست مرد باید به منظور حفظ مصالح خانواده اعمال شود، نه تأمین حکومت خودسرانه او بر زن. بنابراین، گستره ریاست مرد، در حدی نیست که بتواند تمام کارهای زن در روابط او با خویشان خود یا دیگر اعمال واجب را به‌گونه‌ای تحت نظارت خود درآورد که هرگونه اختیاری را از زن سلب نماید؛ زیرا اسلام، به مردان حق حاکمیت و سرپرستی در خانواده بر پایه عدل و احسان را داده، نه حق تحکم و زورگویی. در جمع‌بندی نظر فقها و حقوق‌دانان، می‌توان این‌گونه بیان کرد که به‌طور کلی، خروج زن از منزل، احتیاج به اذن همسر دارد؛ اما این امر، استثنائات زیادی دارد. (بجنوردی، میرزایی، ۱۳۹۷: ۱۰)

پرهیز از آزار شوهر و تندخویی و بدزبانی

رسول اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه در سخنان عجیبی فرمودند: «ای زنان! در راه خدا صدقه دهید، گرچه از زیور و زینت خود، گرچه یک دانه خرما، چه این‌که بیشتر شما هیزم جهنم هستید، لعنت می‌کنید و نسبت به خدمات شوهر سپاس‌گزار نیستید. زنی عرضه داشت: مگر ما



نیستیم که مادری می‌کنیم، کودک را ماه‌ها در شکم می‌پرورانیم، به او شیر می‌دهیم، مگر این دختران سرپرست خانه‌ها و این خواهران دلسوز برادرها، از جنس ما نیستند؟ فرمود: چرا، باردار هستید، فرزند می‌آورید، شیر می‌دهید، مهربان و با عاطفه‌اید، اما اگر ناسازگاری با شوهر و آزار دادن به او نبود، هیچ زن نمازگزاری به آتش قیامت نمی‌سخت.»

امام ششم علیه السلام فرمود: «نماز سه نفر قبول نیست؛ خدمت‌کار گریخته تا وقتی دست به دست صاحبش بگذارد، زنی که شب تا صبح شوهر از او ناراضی باشد، پیشوایی که مردم او را نخواهند و او امامت کند.»

علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام پرسید: «زنی که با سوءخلق، بدزبانی و درشت‌گویی، مردش را خشمگین کند، نماز و حالش نزد خدا چگونه است؟ فرمود: در معصیت به سر می‌برد تا وقتی که شوهر راضی شود.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به حولا فرمود: «به آن خدایی که مرا به صدق و راستی به مقام رسالت انتخاب کرده، هنگامی که مرد بر زن خشم بگیرد، خداوند نیز بر او خشم می‌گیرد.»

امام ششم هم چنین فرمود: «ملعون است زنی که همسرش را بیازارد و وی را غمگین و غصه‌دار کند و خوشبخت است زنی که احترام شوهر را نگه دارد و وی را نیازارد و در هر حال از وی اطاعت نماید. (انصاریان، ۱۳۸۰)

رعایت حسن معاشرت در زندگی مشترک

خانواده نهادی مقدس است که در هر جای جهان برای آن اهمیت خاصی قائل هستند. این در حالی است که برای حفظ چنین نهادی، قانون نیز مواضعی را تعیین کرده که یکی از این قوانین، حسن معاشرت میان زن و شوهر است. تعریف و مفهوم حسن معاشرت از این قرار است که کلمه «معاشرت» بر وزن مفاعله است که با توجه به این که باب مفاعله از مفاهیم اجتماعی و دوسویه است، یعنی این حسن رفتار باید دوسویه و متقابل باشد؛ هم از ناحیه مرد و هم از ناحیه زن. اگر موضوع معاشرت با پسوند خانواده مورد نظر و گفت‌وگو باشد، همان‌طور که در آیه ۱۹ سوره نساء آمده به این معنی است که معاشرت به معروف، ملاک رفتاری برای مردان تنها نیست و مقصود از «عاشروهنّ بالمعروف» هم‌زمان، تعیین ملاک و مبنای رفتاری شوهر با زن و زن با شوهر خویش است؛ پس مردان و زنان در رفتار متقابل خانوادگی و زناشویی از این زاویه که هر دو باید طبق معروف رفتار کنند، هم‌سان و برابرند. آیه مبارکه



«وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ» نیز به گونه‌ای صریح، وظایف، حقوق و آداب معاشرت متقابل مرد و زن در خانواده را برابر و همانند می‌شمارد و معیار آن را معروف معرفی می‌کند. نصوص روایی و سنت نیز معروف را به همین معنی می‌دانند. علاوه بر آیات و روایات، در قانون مدنی نیز به صراحت، زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر شده و در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی آمده است: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.» هم‌چنین ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی، زن و شوهر را به تلاش برای زندگی مشترک تشویق کرده و آورده است: «زوجین باید در تشدید و تحکیم مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر کمک نمایند.» قوانین و مقررات نمی‌توانند به تنهایی ضامن یک زندگی مشترک باشند و با این اوصاف، تنها ضامن بقای زندگی مشترک، هم مهر و محبت بین زوجین و ایثار و حسن معاشرت آن‌ها در زندگی است. (pjorm.mashhad.ir//1701008)

رعایت نظافت و طهارت

نظافت و لطافت ظاهر و رعایت مسائل بهداشتی، نقشی مؤثر و اساسی در ایجاد علاقه و محبت میان زوجین دارد و در حفظ پاک‌دامنی آنان نیز مؤثر است. هر کس بر اساس فطرت خویش، از آراستگی و زیبایی لذت می‌برد و از زشتی و ژولیدگی و مراعات نکردن مسائل بهداشتی و نظافت متنفر است. در اسلام، به مردان و زنان مؤمن، بسیار سفارش شده که خود را برای همسرانشان بیاریند و آن‌ها را در حفظ پاک‌دامنی یاری کنند و موجبات ایجاد زندگی محترمانه و ریشه‌دار را فراهم سازند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله توجه به مسئله زیبایی و حفظ نظافت و بهداشت را موجد محبت و ایمان در زندگی زناشویی دانسته و می‌فرماید: «لباس‌های خود را پاکیزه گردانید و موهای خود را کوتاه و منظم کنید و مسواک بزنید و خود را زیبا سازید؛ زیرا بنی اسرائیل به خاطر عدم رعایت این موارد، زنانشان میل به فساد پیدا کردند. ایشان هم‌چنین می‌فرماید: «هر قدر می‌توانید پاکیزه و نظیف باشید، زیرا خداوند اسلام را بر پایه نظافت بنا نموده و انسان‌های نظیف وارد بهشت می‌شوند.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله از یک‌سو، زوجین به‌ویژه زن‌ها را به رعایت مسائل بهداشتی و جلوه‌گری ظاهری و دوری از زینت برای نامحرم دعوت می‌کند و از سوی دیگر، می‌خواهد عاطفه و تقوا و اخلاق در میان خانواده نهادینه شده و زمینه‌های اختلاف و کدورت و بدبینی از محیط خانواده دور

شود. (صالحی، ۱۳۸۵)



موارد موجه عدم تمکین زوجه (عدم تمکین زن)

در متون فقهی بر ضرورت تمکین زوجه تصریح شده است، اما این تکلیف مطلق و بی‌حد و حصر نبوده و به واسطه ادله حاکمی چون قاعده مشهور «لاضرر» و سایر ادله مذکور، تقییداتی بر آن مترتب می‌شود. برای مثال، برخی فقها در فرض بیماری زوج، به استناد خوف ضرر به حق زوجه در خودداری از تمکین خاص حکم داده‌اند. از سویی جاعل شریعت به دلیل احاطه کامل بر مفاسد و مصالح واقعیه احکام در برخی مواضع مانند حالت حیض و نفاس زوجه یا محرم بودن وی و نیز ایلاء وظهار، آمیزش را منع کرده است. هم‌چنین مواردی مانند اعمال حق حبس از ناحیه زوجه را از دیگر مصادیق جواز خودداری از تمکین خاص ذکر کرده است. قانون‌گذار ایران نیز در ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی این اصل را به رسمیت شناخته است که «همین که نکاح به‌طور صحت واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.»

ماده ۱۱۰۸ این قانون نیز در حکمی کلی مقرر کرده است که «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود.» افزون بر فروعی که قانون‌گذار حکم جواز خودداری زوجه از تمکین را به تصریح یا تلویح بیان کرده، موارد متعددی نیز متصور است که چنین تصریحی را می‌طلبد. (شکری، مؤمن، ۱۳۹۰: ۱۱۶-۱۱۵) در ذیل به برخی موارد مشروعی که به زوجه اجازه عدم تمکین داده شده، اشاره می‌شود:

۱. عدم پرداخت نفقه

در صورت نشوز زوج و عدم پرداخت نفقه توسط وی در مدت زمانی که زن برای تهیه معاش و تأمین نفقه به اشتغال می‌پردازد، اطاعت شوهر بر او واجب نیست و هم‌چنین عدم لزوم رعایت تمکین عام در صورت تأمین انحصاری نفقه توسط زوجه، لزوم اخذ اذن و اجازه همسر نیز برای خروج از منزل منتفی می‌شود. در این زمینه می‌توان به دو دسته دلیل اشاره کرد.

اول، دلایلی که به‌طور کلی در شرایط نشوز، وجوب تمکین را از دوش زوجه برمی‌دارند، به این صورت که اطلاق ادله تمکین زوجه از زوج توسط روایات خاصی که در باب نشوز زوج وارد شده، تقیید می‌خورد. از طرف دیگر، «تفضیل» و «انفاق» علت حکم است نه حکمت آن و با نبود علت، حکم قوامیت و امر و نهی نیز برای مرد منتفی می‌شود.

دوم، اجرای قواعد ثانوی مانند قاعده لاضرر و نفی عسر حرج که بر اساس آن‌ها تکلیف به الزام و تمکین در این شرایط از زن برداشته می‌شود. با این اوصاف، مذمتی که در احادیث بدان اشاره شده در



رابطه با خروج زوجه از منزل بدون اذن زوج، شامل زنی که شوهرش به او نفقه نمی‌دهد و خود با توجه به عسر و حرج و ضرری که بر او وارد شده، اقدام به کسب و کار و تهیه معاش کرده است، نمی‌شود. با این حال در قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده در خصوص این مبحث، بیان کاملی وجود ندارد و به‌رغم این‌که در شرع مقدس اسلام، تکالیف و حقوق زن و مرد در این باره معین شده، لیکن این تکالیف در قانون به‌طور دقیق مشخص نیست؛ لذا تدوین مواد قانونی در این زمینه بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد. بازنگری در احکام فقهی مربوط به فقه پژوهی و تدوین فقه زنان در رابطه با مسئله عدم پرداخت نفقه از سوی مرد و انحصار تامین نفقه توسط زن با نگرشی واقع‌بینانه با عنایت به واقعیت‌های امروزی و شرایط زمانی و مکانی از سوی فقها و حقوق‌دانان ضرورت فراوان و به‌سزایی دارد. (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۸۱-۱۸۰)

۲. بیماری شوهر

اصولاً بیماری زوج موجب جواز عدم تمکین زن نمی‌شود و زن باید جز در صورت وجود شرایط خاص، از مرد تمکین نماید. یکی از این موارد، هنگامی است که شوهر به یکی از امراض خطرناک و آگیردار مبتلا باشد، در این صورت زن می‌تواند تا حدودی که از سرایت آن بیماری مصون بماند، از شوهر دوری نماید. برخی مبنای حکم مذکور را قاعده لاضرر دانسته و معتقدند که چنانچه امراض مقاربتی یا علل دیگر موجب خسارت به زوجه شود، قاعده لاضرر عموم، و جوب اطاعت زوجه را تخصیص می‌زند.

۳. انجام واجبات

یکی دیگر از مواردی که به‌عنوان مانعی مشروع برای امتناع از تمکین مطرح می‌گردد، انجام واجبات است که البته در مورد زوجه بیشتر مصداق می‌یابد. این مسئله زمانی مطرح می‌شود که زوجه برای انجام واجبی شرعی، مجبور به نافرمانی از شوهر خویش می‌شود. این حکم مستند به روایاتی است که از پیشوایان دینی ما رسیده است، از آن جمله فرموده رسول خدا مبنی بر این‌که اطاعت مخلوق در صورتی که موجب نافرمانی خدا باشد، جایز نیست. البته انجام واجب، زمانی برای زوجه به‌عنوان عذری موجه مطرح می‌گردد که انجام آن در وقتی دیگر ممکن نباشد و به قول برخی فقها، واجب مضیق باشد. مثلاً زمانی که زن در روزه واجب رمضان است یا موارد دیگر از این قبیل، اما در صورتی که زن برای انجام واجبی غیرمضیق از تمکین نسبت به شوهر امتناع نماید، عذر وی با توجه به این‌که امکان انجام واجب در وقت دیگر وجود داشته، موجه نخواهد بود. (ابهری، صفایی، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۲)



نتیجه

دین اسلام، به منظور سعادت زن و مرد، وظایف و تکالیفی را برای آنان در نظر گرفته است. البته این قوانین به صورت جانبدارانه در ترازوی زن یا مرد به تنهایی سنگینی نمی‌کند، بلکه بر اساس استعداد و ظرفیت ذاتی زوج و زوجه، این تکالیف را مشخص کرده است. به عنوان نمونه، با توجه به رنج بارداری و تربیت فرزند، نفقه زن بر مرد واجب شده تا زن مجبور به انجام افعال سخت در جهت تأمین نیازهای اقتصادی و مادی خود نباشد. از سویی، زن با ارضای نیازهای جنسی مرد، زمینه آرامش و عدم فساد زوج را ایجاد می‌کند. بنابراین حقوق و تکالیف یکسانی بر طبق ظرفیت‌های دو طرف در قوانین اسلامی اتخاذ شده است. نکته دیگری که به صورت جمع‌بندی باید اشاره کرد، توجه به امکان عدم تمکین زن طبق موانع مشروع است. اسلام همان‌طور که به تمکین زن دستور داده، از سویی بر اساس مسائلی خاص که امکان خوف و ضرر برای حق زوجه می‌باشد مانند بیماری و عدم پرداخت نفقه از سوی زوج، این اجازه را به زن داده تا مجبور به انجام تمکین نباشد. بنابراین طبق قوانین اسلامی، اگر زوج و زوجه به حقوق و تکالیف خود عمل کنند، آرامش به خانواده‌ها اعطا و زمینه سلامت جامعه ایجاد می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابهری، حمید؛ صفایی، محمدصالح (۱۳۹۱)، «موارد موجه عدم تمکین زوجه در حقوق ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره سی.
۳. انصاریان، حسین (۱۳۸۰)، «نظام خانواده در اسلام»، قم: ام‌اینها، چاپ نوزدهم.
۴. بستان، حسین (۱۳۹۶)، «اسلام و تفاوت‌های جنسیتی»، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، وزارت کشور، دفتر امور بانوان، ج ۴.
۵. پروین، فرهاد؛ حسینی، وحیده (۱۳۹۲)، «شرایط، قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با زوجه»، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۱، شماره ۳.
۶. شگری، فریده؛ مؤمن، رقیه‌سادات (۱۳۹۰) «نقش قاعده لاضرر در حق خودداری زن از تمکین خاص»، مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
۷. شیرازی، سیدمحمدحسین، «تبیین القرآن»، ج ۱.
۸. صدوق، محمدبن علی، «من لایحضره الفقیه»، ترجمه علی‌اکبر غفاری، ج ۳.
۹. صالحی، غلامرضا (۱۳۸۵)، «پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و همسرمداری مطلوب؛ راه‌کارها و آسیب‌ها»، معرفت، شماره ۱۰۸.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، «المیزان»، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۲.
۱۱. علی‌دوست، ابوالقاسم؛ ساجدی، مهدی (۱۳۹۰)، «بررسی فقهی اطاعت زوجه از زوج»، حقوق اسلام، سال هشتم، شماره ۲۹.
۱۲. عمید، حسن (۱۳۶۵)، «فرهنگ عمید»، تهران: نشر امیرکبیر، ج ۳.
۱۳. قمی، علی‌بن ابراهیم، «تفسیر قمی»، تحقیق سیدطیب موسوی جزائری، ج ۱.
۱۴. قنبرپور، بهنام؛ نقیبی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۱)، «شرط عدم تمکین در عقد نکاح در فقه امامیه و اهل سنت»، فصل‌نامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۳-۱۲.
۱۵. کریمی، نسرین (۱۳۹۷)، «عدم لزوم رعایت تمکین عام در صورت تأمین انحصاری نفقه توسط زوجه»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال پنجاه و یکم، شماره اول.
۱۶. محمدی، مرتضی (۱۳۸۳)، «تمکین؛ قدرت زنان یا خشونت مردان»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۳.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، «تفسیر نمونه»، ج ۲.
۱۸. معین، محمد (۱۳۶۴)، «فرهنگ فارسی»، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ هفتم.



۱۹. مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵)، «کلمات سدیده فی مسائل جدیدہ»، مؤسسہ نشر اسلامی، چ اول.
۲۰. موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ محمدعلی میرزایی، طاہرہ (۱۳۹۷)، «تأثیر زمان و مکان بر نشوز زوجہ و ضمانت اجرایی آن با تکیہ بر آراء امام خمینی»، پژوهش نامہ متین، سال بیستم، شماره ۷۹.
۲۱. «انواع تمکین اعم از تمکین عام و تمکین خاص» <http://www.heyvalaw.com/web/articles/view/130>.
۲۲. «حقوق شوهر بر زن از دیدگاه اسلام شامل چه مواردی می باشد؟» (۱۳۹۷). <https://www.yasa.co/blog/husbands-rights-to-women>.
۲۳. «حسن معاشرت بین زوجین از نگاه قانون» https://pjorm.mashhad.ir/citizenship_education/1701008-



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی